

## The place of national identity symbols in short stories of sacred defense (Case Study: The Books of Joseph 5 to 7)

Amin Banitalebi<sup>1</sup>, Ibrahim Zaheri Abdevand<sup>2</sup>

### Abstract

The Islamic Revolution, as a cultural and social revolution, gave rise to a new identity in Iran, which can be seen in the literature of the Islamic Revolution, which reflects the beliefs and aspirations of the revolution. In this research, using the content analysis method, the components of Iranian national identity approved by the Cultural Council have been examined in short stories of sacred defense (selected works of Youssef's literary prize 5 to 7). The results show that the authors of these three collections have reflected all components of national identity with a nostalgic and positive attitude, with the highest frequency being related to the Persian language component, especially the metaphors and corrections, and then to the component. History and civilization are especially customs and beliefs. Also, the component of the land of Iran, especially the geography and the component of Islam based on the Qur'an and the motives of the Ahlul-Bayt (AS) and the spirit of spirituality and monotheism are in the next ranks. Less attention has been paid to the two components of Mahdism and Provincialism. Among the three most important collections in the field of national identity were Yosef Five, which indicates that most of the authors of the series adhere to the Supreme Leader's guidelines and indicators of national identity, and the weakest is Yosef Six. Also, the religious color and smell of Yusuf Five to Yusuf Seven declined, and on the contrary, the national and local color and flavor of Yusuf Seven was the most abundant and rising.

**Keywords:** National Identity, Short Stories of Holy Defense.

نمادهای هویت ملی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس

(داستانی‌های برگزیده جایزه ادبی یوسف ۵ تا ۷)

امین بنی طالبی<sup>۱</sup>، ابراهیم ظاهری عبدوند<sup>۲</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک انقلاب فرهنگی و اجتماعی، موجب شکل‌گیری هویتی تازه در ایران شد که مؤلفه‌های این هویت تازه را می‌توان در ادبیات انقلاب اسلامی مشاهده کرد. در این پژوهش نیز با استفاده از روش تحلیل-محتوا به بررسی مؤلفه‌های هویت ملی بر اساس مصوب شورای فرهنگی، در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس (آثار برگزیده جایزه ادبی یوسف ۵ تا ۷) پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نویسندگان این سه مجموعه، تمام مؤلفه‌های هویت ملی را با نگرشی آمیخته با احساسی نوستالژیک و مثبت بازتاب داده‌اند که در این میان، بیشترین بسامد مربوط به مؤلفه زبان فارسی به‌ویژه کنایه‌ها و اصطلاحات و سپس، مؤلفه تاریخ و تمدن به‌ویژه آداب و رسوم و باورهاست. همچنین، مؤلفه سرزمین ایران به-خصوص جغرافیا و مؤلفه اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و روح معنویت و توحید در رتبه‌های بعد قرار دارند. به دو مؤلفه مهدویت و ولایت‌مداری توجه کم‌تری شده است. شاخص‌ترین مجموعه در زمینه هویت ملی در بین این سه مجموعه، یوسف پنج بوده و ضعیف-ترین آن‌ها، یوسف شش است. همچنین، رنگ و بوی دینی از یوسف پنج تا یوسف هفت، سیر نزولی و رنگ و صبغه ملی و محلی در یوسف هفت، بیشترین فراوانی را داشته است.

کلید واژگان: هویت ملی، داستان‌های کوتاه، دفاع مقدس،

روح معنویت

Ph.D student of Persian language and literature at shahrkord university

Assistante professor of Persian language and literatre at shhrkord university

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه

شهرکرد (نویسنده مسؤل)

[aminbanitalebi@yahoo.com](mailto:aminbanitalebi@yahoo.com)

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

۱- مقدمه

بعد از انقلاب اسلامی، به شیوه‌های مختلف کوشیده شده این ارزش‌ها و هنجارها به‌عنوان مؤلفه‌های هویت ملی در جامعه بازتولید و تقویت شوند که ادبیات، به‌ویژه ادبیات داستانی در این زمینه نقش مهمی داشته‌است.

گفتنی است با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ادبیات انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ ادبیاتی که «نوعی ادبیات متعهد است و خود را در برابر باورها و آرمان‌های انقلاب و سرنوشت جامعه مسئول می‌بیند» (ترکی، ۱۳۹۵: ۱۸). از جمله مسائل مطرح در این ادبیات، آموزه‌های مطرح در انقلاب اسلامی به-خصوص مؤلفه‌های هویت‌ساز بوده‌است؛ بنابراین، ضروری است این آثار بررسی شوند تا نقاط قوت و ضعف آنان در این زمینه شناخته شود. بر این اساس، در این پژوهش کوشیده می‌شود تا کمیت و کیفیت انعکاس مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان (مؤلفه‌های مطرح شده در سند مذکور) در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس، برگزیده جشنواره یوسف ۵ تا ۷ (۷۴ داستان کوتاه) واکاوی و تحلیل شود. جایزه ادبی «یوسف» با فراخوان داستان‌های کوتاه منتشر نشده از سال ۱۳۸۵ از سوی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس برگزار شده که «با استقیال کم‌نظیر نویسندگان سرتاسر میهن عزیزمان همراه شده‌است؛ به‌طوری که در مجموعه یوسف هفت، ۱۰۲۵ اثر دریافت شده» (ر.ک یوسف-هفت: ۸) که پس از انجام مراحل چندگانه داور، از میان خیل عظیم این آثار، حدود ۲۰ تا ۳۰ داستان امکان چاپ در این مجموعه را پیدا می‌کنند. تقویت پایگاه داستان‌نویسی، ترغیب و تشویق نویسندگان جوان، شناسایی استعدادها، بروز خلاقیت‌ها و کمک به خلق و تولید داستان کوتاه در حوزه دفاع مقدس از جمله

از هویت ملی، به‌عنوان حسی بالنده در میان مردمی نام برده شده‌است که «به‌طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و از منافع مشترک، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک برخوردارند. هویت ملی، مفهومی دو وجهی است که همزمان بر تشابه و تمایز دلالت دارد. بدین-صورت که از یک سو با تأکید بر مشترکات و ملاک-های پیونددهنده، ما را پیرامون محوری واحد متحد و متعهد می‌کند و از سوی دیگر، این ما را در مقابل غیر قرار می‌دهد و بدین‌صورت، ما را در وجود تشابهات داخلی و تمایزاتش با دیگری شناسایی می‌کند» (ربانی و رستگار، ۱۳۹۱: ۴؛ به نقل از صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۱۰). این ویژگی‌های مشترک و متمایزکننده، به‌عنوان مؤلفه‌های هویت ملی، اموری ثابت نیستند؛ بلکه عوامل مختلفی در تغییر و شکل‌گیری آن‌ها در هر دوره تأثیرگذار است که از این میان، می‌توان به عوامل سیاسی از جمله انقلاب‌ها اشاره کرد؛ چنان‌که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، هویت ملی ایرانیان شکلی تازه و دیگرگونه نسبت به دوره پیشین پیدا کرد. ارزش‌ها و مؤلفه‌های تازه‌ای در دوره انقلاب اسلامی، که از آن به‌عنوان یک انقلاب هویتی نام برده شده‌است، مورد توجه قرار گرفتند که مهم-ترین آن‌ها در «سند مؤلفه‌های هویت ملی ایرانیان» تصویب‌شده در تاریخ ۱۳۸۴/۱۲/۲۱ شورای فرهنگ عمومی آمده‌است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: الف) معنویت‌گرایی، توحید و تعبد؛ ب) اسلام مبتنی بر معارف قرآن و مودت اهل بیت(ع)؛ ج) اعتقاد به ظهور موعود و منجی عالم؛ د) ولایت‌مداری؛ ه) سرزمین ایران؛ و) زبان و خط فارسی (نجفی، ۱۳۸۹: ۶۱۴-۶۱۹).

اهداف این جایزه بیان شده‌است. بر این اساس، پرسش‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از: فراوانی هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی در این داستان‌ها چگونه است؟، بیشتر به کدام یک از مؤلفه‌ها توجه شده؟ و نوع توجه به هر یک از مؤلفه‌ها چگونه بوده‌است؟

## ۲-۱- پیشینه پژوهش

آثار مختلفی درباره‌ی بازتاب هویت ملی در آثار ادبی و داستانی نوشته شده‌است؛ چنان‌که در مقاله «جایگاه نمادهای هویت ملی در زبان و ادب فارسی؛ مطالعه‌ی موردی: آثار داستانی جمالزاده» رضایی خیرآبادی و همکاران، به این نتیجه رسیده‌اند که به عناصر هویت ملی در آثار جمالزاده، توجه بسیار شده و بیشترین فراوانی مربوط به نمادهای زبان فارسی بوده- است (۱۳۹۱: ۸۹). گفتنی است که به ساختار این مقاله، در پژوهش حاضر توجه شده‌است. صادق‌زاده و منادی در مقاله «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره‌ی متوسطه، رشته علوم انسانی» پرچم، سرود ملی، تقویم رسمی، جشن‌های ملی، هنر ایرانی، مکان‌های تاریخی، دفاع از سرزمین، نخبگان و مشاهیر ملی را به‌عنوان مؤلفه‌های هویت ملی بررسی کرده‌اند (۱۳۸۷: ۱۲۵). در مقاله «هویت ملی در شعر معاصر ایران»، نویسنده کوشیده تا با روشن کردن مفاهیم اصلی هویت ملی، زنجیره‌ی تأمین و چگونگی ارتقای جایگاه آن را در شعر معاصر فارسی تبیین کند (لک، ۱۳۸۴: ۶۱). این نویسنده در مقاله «هویت ملی در شعر دفاع مقدس»، نقش جنگ را بر شکل‌گیری مقوله‌ی هویت‌سازی فرهنگ ایرانی بررسی کرده‌است (همان، ۱۳۸۴: ۱۱۱).

در مقاله «بررسی مفهوم هویت در مجموعه داستان‌های قصه‌های شیرین و قصه بازی شادی» نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که بسامد مؤلفه‌های هویت ملی در آثار سیدآبادی بیشتر از خسرونژاد است؛ اما گوناگونی و گستره‌ی توجه به گفت‌وگوهای سه‌گانه در شکل‌دهی به هویت ادبیات کودک، در اثرهای خسرونژاد بیشتر از سیدآبادی است (ذاکری و شمشیری، ۱۳۹۴: ۵۹). گفتنی است که در هیچ‌کدام از آثار بررسی شده، به بازتاب هویت ملی ایرانیان مصوب شورای فرهنگ عمومی در آثار داستانی به‌ویژه آثار داستانی دفاع مقدس توجه نشده‌است.

## ۳-۱- روش تحلیل پژوهش

از جمله روش‌های تحلیل متن برای بررسی پیام‌ها در اسناد مختلف، تحلیل محتواست. «تحلیل محتوا به هر روش استنباطی اطلاق می‌شود که به صورت منظم، عینی و به منظور تعیین ویژگی‌های پیام‌ها به کار برده می‌شود. در این روش، پیام‌ها یا اطلاعات، به صورت منظم کدگذاری و به نحوی طبقه‌بندی می‌شوند که پژوهشگر بتواند آن‌ها را به صورت کمی طبقه‌بندی کند» (دلاور، ۱۳۹۵: ۲۷۵). از طریق این روش، می‌توان به علت‌های صدور پیام و اندیشه‌های صادرکننده آن که در متن به صورت آشکار وجود ندارد، پی برد و همچنین می‌توان آثار این پیام‌ها را روی رفتار، گفتار و اندیشه‌های دریافت‌کنندگان آن‌ها بررسی کرد (عزتی، ۱۳۹۰: ۲۲۷). در این پژوهش نیز از روش تحلیل محتوا استفاده و واحد مضمون و واژه، به عنوان واحد تحلیل انتخاب شده است. برای کدگذاری نیز پس از بررسی مؤلفه‌های هویت ملی، مؤلفه‌هایی که مضمونشان مربوط به هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی

(۱۹٪/۲) است. آداب و رسوم کاربرد یافته، غالباً شامل زیارت و عبادت کردن و ادای نذر (۲۵٪)، خاکسپاری و سوگواری و بزرگداشت اهل قبور به ویژه شهدا (۲۰٪/۳)، تعارفات (۲۰٪/۳) و آداب و رسوم سفر کردن به ویژه رفتن رزمندگان به مناطق عملیاتی (۸٪/۵) است. باورهای ایرانیان در این مجموعه به دو بخش «باورهای محلی و عامیانه» (۵۱٪/۸) و «باورهای مذهبی و دینی» (۴۸٪/۲) تقسیم می شود.

نویسندگان در کتاب یوسف پنج تا حدودی به مقولات دیگر، نظیر سرزمین ایران، اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و روح معنویت و توحید نیز در در درجه های بعدی پرداخته اند. در حوزه سرزمین ایران، بیشترین توجه به استان ها و توابعشان (۸۰٪/۸) شده است و نویسندگان کمتر به دو مقوله مکان های باستانی (۱۱٪/۴) و شناسنامه ملی (۷٪/۸) پرداخته اند؛ هرچند که ذکر اماکن باستانی در این مجموعه نسبت به دو مجموعه دیگر بسامد بالاتری دارد. در میان استان ها نخست، استان خوزستان (۱۷٪) به ویژه شهر آبادان و خرمشهر و سپس استان خراسان رضوی (۱۵٪/۳) به ویژه شهر مشهد مورد توجه بوده اند.

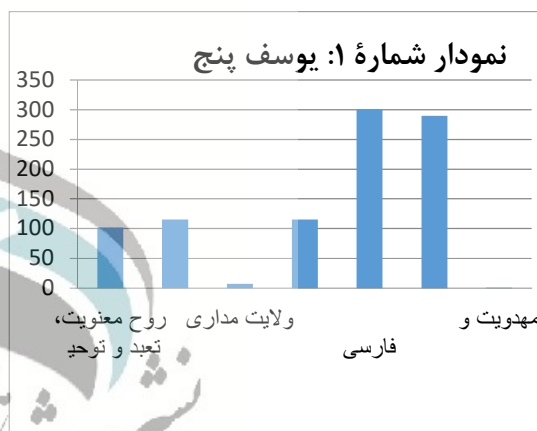
همچنین، نویسندگان این مجموعه به اسلام مبتنی بر قرآن (۵۵٪/۶) و اسلام مبتنی بر مودت اهل بیت (ع) (۴۴٪/۴) توجه داشته اند؛ به گونه ای که در مقوله اول، مفاهیمی نظیر شهادت و اعتقاد به آخرت و در مقوله دوم، التجا و دل بستگی به امام حسین (ع) و یاران ایشان نمود بسیار برجسته دارد.

در زمینه پرداختن به مقوله توحید و معنویت گرایی آنچه بیشتر میان رزمندگان بسیار مشهود است، اقامه نمازهای واجب و مستحب و نیز ذکر همیشگی نام

بود، در زیر یکی از مؤلفه های مورد بررسی قرار داده و سپس محتوای شان نیز توصیف و تحلیل شد.

## ۲- یافته های پژوهش

۲-۱- پرسش نخست: بسامد مؤلفه های هویت ملی در مجموعه داستان های یوسف پنج تا هفت چقدر است؟



نمودار شماره ۱ نشان می دهد که بیشترین فراوانی ابتدا متعلق به مؤلفه زبان و خط فارسی و سپس تمدن و تاریخ ایران است. داستان نویسان این مجموعه، از میان مشتقات مؤلفه زبان و خط فارسی، بیش از همه به کنایه های فارسی (۶۲٪) و اصطلاحات (۳۰٪) توجه ویژه و به اشعار فارسی (۴٪/۶) و ضرب المثل ها (۳٪/۴) توجه کمتری داشته اند.

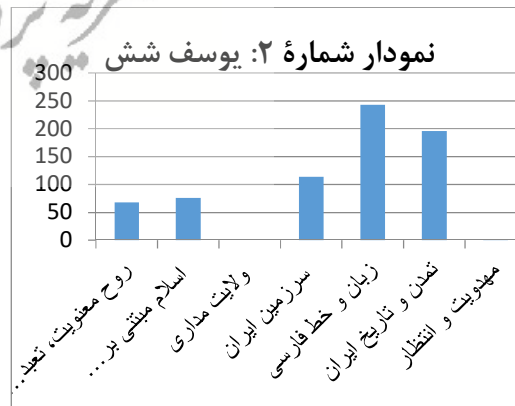
همچنین، داستان نویسان این مجموعه، به مشتقات مربوط به حوزه تمدن و تاریخ ایران توجه چشمگیری داشته اند که از میان آن ها، آنچه بیش از همه کاربرد چشمگیری دارد، استفاده از انواع آداب و رسوم ایرانی (۵۲٪/۲) و سپس باورهای عامیانه و ایرانی

اگرچه باز هم همانند کتاب یوسف پنج در کتاب یوسف شش، کنایه‌ها (۷۲/۸٪) و اصطلاحات (۲۱/۸٪) چشمگیرتر از اشعار (۲/۹٪) و ضرب‌المثل‌ها (۲/۵٪) هستند، در مقایسه با کتاب یوسف پنج، استفاده از هر چهار مقوله مذکور کاهش یافته‌است. از طرفی، کاربرد کنایه‌هایی که صبغه دینی و مذهبی دارند، در یوسف شش تقریباً دو برابر یوسف پنج است. در زمینه اصطلاحات نیز همانند یوسف پنج می‌توان گفت اصطلاحات عامیانه و محلی (۷۱/۶٪) نمود بیشتری نسبت به اصطلاحات دینی و مذهبی (۲۸/۳٪) داشته‌اند؛ با این تفاوت که در کتاب یوسف شش-با وجود کاربرد کمتر خط و زبان فارسی- بسامد و کاربرد اصطلاحات دینی همانند کنایه، دو برابر کتاب یوسف پنج است. ضمن این که در یوسف شش، به ندرت نویسندگان از اصطلاحات میدان نبرد استفاده کرده‌اند. در حوزه میزان استفاده از اشعار فارسی، کتاب یوسف شش نسبت به یوسف پنج، ۵۰ درصد کاهش داشته‌است و حدود ۴۳ درصد از کل اشعار در یوسف شش دارای صبغه دینی و مذهبی هستند و مابقی را اشعار محلی و ایرانی شامل می‌شود. همانند اشعار، ضرب-المثل‌های یوسف شش نیز تا ۵۰٪ نسبت به یوسف پنج کاهش یافته‌اند.

در زمینه تمدن و تاریخ ایران نیز همچون یوسف پنج، در کتاب یوسف شش بیشترین بسامد متعلق به آداب و رسوم ایرانی (۵۰/۵٪) است؛ با این تفاوت که در درجه بعد، مؤلفه پوشاک و لباس (۱۴/۱٪) و سپس ابزار و وسایل (۱۱/۷٪) بیشترین فراوانی را دارند. بنابراین، میزان کاربرد باورهای ایرانی (۸/۲٪) -چه عامیانه و چه مذهبی- در این مجموعه کاهش بسیاری نسبت به یوسف پنج داشته‌است. در میان آداب و

خداوند بر لب آنان است. در این داستان‌ها، رزمندگان اسلام در هر حال و وضعیتی شکرگزار خداوند هستند و رضایت به خواست و اراده الهی را در همه امور سر لوحه کار قرار داده‌اند؛ آنان سختی‌ها و دشواری‌های پیش‌آمده را آزمون الهی قلمداد می‌کنند و با جان و دل به استقبال شهادت می‌شتابند.

با نگاهی دیگر به نمودار شماره ۱، می‌توان گفت مؤلفه‌ای که نمود کم‌رنگ‌تری در مقایسه با دیگر مؤلفه‌ها دارد، ولایت‌مداری و مهدویت است؛ هر چند که در این مجموعه، نسبت به مجموعه‌های بعدی توجه بیشتری به این دو مقوله شده‌است؛ مثلاً در داستان «یوریک» آمده‌است: «عندلیبی سراسیمه می‌پرسد: چی شده؟ زیر لب می‌گویم: امامین حواریون- لاریندان بیری قاناد چکدی ... اوچدی!» (یوسف پنجم: ۱۸۹). یا در داستان «بوی بهشت» آمده‌است: «پشت میدان، آخرین سفارش‌ها را به بچه‌ها کرد و ... دعای فرج را چندبار پشت سر هم از قلبش گذراند» (یوسف پنجم: ۲۸).



در نمودار شماره ۲ نیز مانند نمودار شماره ۱، بیشترین فراوانی متعلق به مؤلفه‌های زبان و خط فارسی و تمدن و تاریخ است؛ با این تفاوت که در مجموعه داستان یوسف شش، آمار این دو مؤلفه کاهش یافته‌است.



مقوله شناسنامه ملی (۱۲/۲٪) و مکان های باستانی (۲/۸٪) پرداخته اند و از لحاظ آمار، مجموعه داستان یوسف شش با یوسف پنج تقریباً برابر است؛ با این تفاوت که در یوسف شش به موضوع شناسنامه ملی توجه بیشتری شده و در عوض، مکان های باستانی نمود کمتری داشته اند. همچنین، شناسنامه ملی در این مجموعه بروز و ظهور بیشتری نسبت به مجموعه یوسف پنج داشته است.

برخلاف یوسف پنج در این مجموعه، بیشترین توجه نویسندگان به اسلام مبتنی بر مودت اهل بیت (۵۶/۶٪) و سپس اسلام مبتنی بر قرآن (۴۳/۴٪) است. در میان اهل بیت و اولیای الهی، نخست ذکر و نام امام حسین (ع) (۳۰/۲٪) بسامد بیشتری دارد و سپس توسل به امام رضا (ع) (۲۰/۹٪) و حضرت زهرا (س) (۱۶/۲٪) بیشترین بسامد را دارند. در مقوله اسلام مبتنی بر قرآن نیز می توان اشاره به داستان ها و معارف قرآنی را به خوبی در این مجموعه مشاهده کرد؛ مثلاً «...من به روی خودم آوردم. آن هم فقط کمی و آن هم فقط من که اسماعیلی بودم در انتظار گوسفندی از آسمان» (یوسف شش: ۱۷۱).

همانند یوسف پنج، در مقوله معنویت گرایی و توحید، اشاره به اقامه نمازهای واجب و مستحب در اولویت قرار دارد؛ سپس، التجا و پناه بردن به خداوند در لحظات سرنوشت ساز و دشوار و قرائت اذکار مختلف به ویژه استغفار و توبه کاربرد بیشتری دارد. رزمندگان و خانواده هایشان برای آرامش و قوت قلب به قرائت ادعیه هایی همچون دعای کمیل، جوشن کبیر و دعای توسل روی می آورند و بسامد این دعاها در این مجموعه بیشتر از سایر مجموعه هاست.

رسوم این مجموعه، تعارف کردن (۲۶/۷٪)، قسم یاد کردن (۲۲٪)، خاکسپاری، سوگواری و بزرگداشت اهل قبور به ویژه شهدا (۱۲/۷٪) و جشن و اعیاد (۱۱/۶٪) نسبت به بقیه کاربرد بیشتری داشته اند. در این مجموعه، در هنگام کاربرد تعارفات هم از واژگان ایرانی و محلی (۵۶/۵٪) و هم از واژگان دینی و اسلامی (۴۳/۵٪) استفاده شده است. به همین صورت، در هنگام قسم خوردن نیز غالباً، امور دینی و اسلامی (۶۸/۵٪) و سپس امور غیردینی (۳۱/۵٪) کاربرد داشته اند.

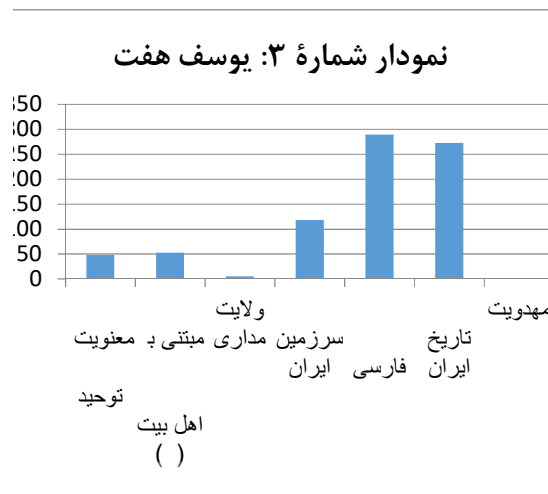
مؤلفه لباس را می توان به دو دسته لباس دینی و اسلامی، و لباس محلی و قومیتی تقسیم کرد. در این مجموعه، لباس مذهبی با بسامد کاربرد ۶۵/۲٪ نسبت به لباس محلی با بسامد ۳۴/۷٪، از فراوانی بیشتری برخوردار است.

در زمینه کاربرد ابزار و وسایل، این مجموعه از یوسف پنج بسامد بالاتری دارد. این مؤلفه را نیز می توان به دو دسته ابزار و وسایل دینی و اسلامی، و ابزار و وسایل محلی و ایرانی تقسیم بندی کرد. در این زمینه، ابزار و وسایل دینی (مانند تسبیح فیروزه ای، انگشتر عقیق، مهر، سربند) با بسامد ۶۲٪ نسبت به ابزار و وسایل محلی و ایرانی (مانند فرش دستباف، آفتابه مسی، بقچه ترمه، گنجه، حصیر و اُرسی) با بسامد ۳۸٪ کاربرد گسترده تری داشته است.

پس از مؤلفه های زبان و خط فارسی و تاریخ و تمدن ایران، مؤلفه های سرزمین ایران، اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و سپس روح معنویت و توحید قرار دارند. در حوزه سرزمین ایران، بیشترین توجه به استان ها و توابعشان (۸۵٪) شده است و نویسندگان این مجموعه همانند مجموعه یوسف پنج، کمتر به دو

ایرانی و ۲۸/۵٪ اشعار دینی (که بیانگر واقعه عاشورا) هستند. در نهایت، می‌توان گفت براساس آمار و بسامد خط و زبان فارسی، مشتقات این مؤلفه در کتاب یوسف هفت نسبت به دو کتاب دیگر، کمتر رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته و صبغه ملی و ایرانی در این حوزه پررنگ‌تر است.

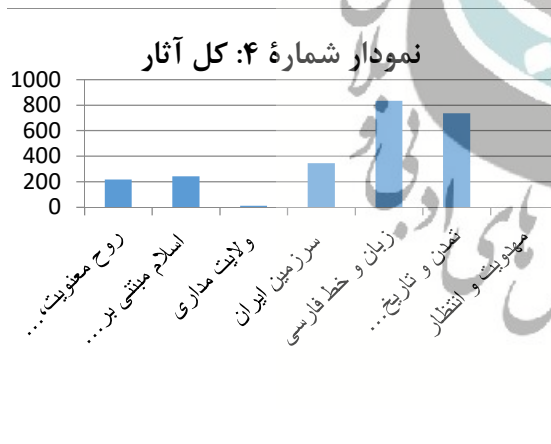
در زمینه تمدن و تاریخ ایران، آداب و رسوم با بسامد ۶۵/۶٪، باورها با ۱۴/۸٪، لباس و پوشاک با بسامد ۹٪ و تقویم ایرانی با بسامد ۸٪ بیشترین فراوانی را در میان مشتقات این حوزه دارا هستند. از میان آداب و رسوم ذکرشده، جشن و اعیاد (۲۱/۴٪)، خاکسپاری، سوگواری و بزرگداشت اهل قبور به‌ویژه شهدا (۲۰٪/۶)، قسم یادکردن (۱۹/۸٪) و زیارت و عبادت-کردن و ادای نذر (۱۵٪) قابل ملاحظه‌اند. در حوزه باورها، باورهای عامیانه با بسامد ۶۱٪، بیشترین و باورهای مذهبی با بسامد ۳۹٪، کمترین کاربرد را دارند. در زمینه لباس و پوشاک، لباس اسلامی با بسامد ۶۰٪ و لباس محلی و قومیتی با بسامد ۴۰٪، بیشترین و کمترین بسامد را دارند. مؤلفه تقویم را می‌توان به سه دسته زمان ایرانی، زمان دینی و زمان سیاسی اجتماعی دسته‌بندی کرد. در زمان ایرانی، به سال‌ها و ماه‌های ایرانی؛ در زمان دینی، به هنگام اذان‌ها و نمازها و در زمان سیاسی-اجتماعی، به رویدادهای مهم و تاریخ-ساز سیاسی اجتماعی اشاره می‌شود؛ مثلاً برای زمان ایرانی آمده‌است: «می‌رفتیم روی پل می‌ایستادیم و عکس می‌گرفتیم و پشتش تاریخ می‌زدیم؛ شهریور ۵۳، بهمن ۵۳، عید نوروز ۵۵» (یوسف هفت: ۱۳۴). در ارتباط با زمان دینی آمده: «اذان غروب به لافت رسید» (همان: ۲۳۷) یا «یک‌ربع از صدای زنگ ساعت حرم



در نمودار شماره ۳ نیز همچون نمودار شماره ۱ و ۲، بیشترین فراوانی متعلق به زبان و خط فارسی و تمدن و تاریخ ایران است؛ با این تفاوت که بسامد مشتقات مؤلفه زبان و خط فارسی و نیز تمدن و تاریخ ایران نسبت به یوسف شش بیشتر است. کنایه‌ها از جمله مشتقات زبان و خط فارسی است که در این مجموعه با بسامد ۷۳/۴٪ نسبت به دو مجموعه دیگر بیشترین بسامد را دارد. در این میان، ۹۳٪ از کنایه‌های به-کاررفته، کنایه‌های عامیانه و محلی است و ۵/۲٪ دیگر، کنایه‌های برگرفته از حوزه دین اسلام و ۱/۸٪ هم کنایه‌های نشأت‌گرفته از میدان نبرد و جنگ است. اصطلاحات با بسامد ۲۰/۳٪ در رتبه دوم مشتقات زبان و خط فارسی یوسف هفت قرار دارد که از این مقدار، ۸۴/۷٪ اصطلاحات عامیانه و محلی و ۱۳/۵٪ اصطلاحات دارای صبغه دینی است؛ البته به‌ندرت اصطلاحات حوزه میدان جنگ (۱/۶٪) نیز در این مجموعه به‌کار رفته‌است. ضرب‌المثل‌ها با بسامد ۷/۳٪ و اشعار با بسامد ۲/۴٪ درصد کمترین کاربرد را در میان مشتقات زبان و خط فارسی دارند؛ با این حال، میزان کاربرد ضرب‌المثل‌ها در این مجموعه قابل توجه است. در میان اشعار، ۷۱/۵٪ شامل اشعار عامیانه و

کاهش ۵۰٪ نسبت به یوسف پنج داشته است، در نتیجه، جنبه اسلامی و دینی این مجموعه در قیاس با جنبه ملی و ایرانی آن سیر نزولی داشته است. با این اوصاف، آنچه در این مجموعه سبب برجستگی معنویت گرایی و خداپرستی شده، در درجه اول و با بسامد بالا، کمک خواهی از خدا و التجا به درگاه معبود و زمزمه ذکرهای مختلف است.

در این مجموعه، کمترین بسامد و کاربرد، ابتدا از آن مؤلفه مهدویت و انتظار است و سپس، مؤلفه ولایت-مداری است که در مقایسه با یوسف شش بسامد بیشتری دارد. بیشترین کاربرد ولایت مداری در این مجموعه، به داستان «تبریکی از طرف جناب دزد» با بسامد ۶۰٪ برمی گردد.



با نگاهی به نمودار نهایی مؤلفه های هویت ملی که خلاصه سه نمودار قبل است، مشخص می شود که بیشترین فراوانی ها به ترتیب متعلق به زبان و خط فارسی، تمدن و تاریخ ایران است. به مؤلفه های اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و روح معنویت و تعبد و توحید تقریباً به یک اندازه توجه شده؛ اما کمترین فراوانی ها به ترتیب متعلق به مؤلفه های مهدویت و سپس ولایت مداری است.

گذشته بود» (یوسف پنج: ۲۱۷). در مورد زمان سیاسی- اجتماعی آمده: «این گور به کمک محلی های منطقه پیداشده و احتمالاً مربوط به عملیات کربلای چهاره» (یوسف هفت: ۲۲۵) یا «من از یکی دو سال قبل از انقلاب آنجا بودم» (یوسف شش: ۷۵).

همانند دو نمودار دیگر، در نمودار شماره ۳ نیز بسامد مؤلفه های سرزمین ایران، اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و معنویت گرایی و توحید در رتبه های بعد قرار دارد. در میان مشتقات سرزمین ایران، جغرافیا (۹۲/۴٪) در این مجموعه اختلاف بسیار زیادی با دو مشتق دیگر، یعنی شناسنامه ملی (۵٪) و مکان های باستانی (۲/۶٪) دارد و نویسندگان کمتر به این دو موضوع توجه داشته اند. در این مجموعه، همانند مجموعه یوسف پنج، نویسندگان ابتدا به اسلام مبتنی بر قرآن (۵۴/۸٪) و سپس اسلام مبتنی بر مودت اهل بیت (۴۵/۲٪) توجه داشته اند؛ با این تفاوت که بسامد کاربرد این دو مؤلفه در این مجموعه نسبت به یوسف پنج با کاهش بیش از پنجاه درصد روبه رو بوده و توجه نویسندگان بیشتر جلب مسائل دیگر، مانند رنگ اقلیمی و محلی شده است. در حوزه اسلام مبتنی بر قرآن، به معارف و رهنمودهای مختلف این کتاب آسمانی در حین داستان ها اشاره شده است؛ موضوعاتی نظیر «حفاظت از بیت المال» (یوسف-هفت: ۱۲۱)، شهادت و سعادت شهید شدن (همان: ۹۸)، «دست نزدن به امور وقف شده» (همان: ۴۹) و ... در زمینه دوستی اهل بیت (ع)، بیشترین اشاره به واقعه عاشورا و بزرگوارانی است که در این واقعه حضور داشتند؛ مانند ماجرای توبه «حُر».

این مجموعه در حوزه روح معنویت و توحید، همانند مؤلفه اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع)،



## ۲-۲- پرسش دوم: بیشترین و کمترین فراوانی مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی، مربوط به کدام مؤلفه‌ها هستند؟

نتایج تحلیل محتوای توصیفی مؤلفه‌های هویت ملی در مجموعه‌های مورد بررسی در کتاب یوسف پنج، بیشترین و در کتاب یوسف شش، کمترین توجه به مؤلفه زبان و خط فارسی شده‌است؛ البته فراوانی‌های این مؤلفه در سه کتاب، تفاوت چشمگیری با هم ندارند. از میان شاخه‌های مؤلفه زبان و خط فارسی، در هر سه کتاب بیش از همه به کنایه‌ها و سپس اصطلاحات توجه شده‌است. در یوسف هفت، بالاترین و در یوسف شش کمترین بسامد کنایه دیده می‌شود؛ با این توضیح که بیشترین این کنایه‌ها، کنایه‌های عامیانه و محلی و سپس کنایه‌های برگرفته از حوزه دین هستند. در یوسف پنج، بالاترین و در یوسف شش، کمترین بسامد اصطلاح دیده می‌شود؛ با این توضیح که اصطلاحات عامیانه و ایرانی نسبت به اصطلاحات مربوط به حوزه دین و میدان نبرد بیشترین کاربرد را داشته‌اند. شاخه ضرب‌المثل نیز در یوسف پنج و هفت با بسامد تقریباً دو برابری نسبت به یوسف شش بیشترین کاربرد را داشته‌است و در یوسف شش کمترین فراوانی دیده می‌شود. در شاخه اشعار، یوسف پنج با بسامد دو برابری نسبت به دو کتاب دیگر، بیشترین فراوانی را دارد و یوسف شش و هفت نیز به یک میزان از این شاخه بهره برده‌اند؛ ضمن این‌که اشعار عامیانه و ترانه‌های محلی و قومیتی، کاربرد بیشتری نسبت به اشعار مذهبی و دینی داشته‌اند؛ هرچند در کتاب یوسف پنج و شش این اختلاف بسیار کم است و هر دو شاخه در راستای هم پیش رفته‌اند.

در زمینه تمدن و تاریخ ایران، یوسف پنج، بیشترین فراوانی و یوسف شش، کمترین فراوانی را دارا هستند که در این زمینه، اختلاف یوسف پنج با یوسف شش تقریباً دو برابر است. از میان شاخه‌های مؤلفه تمدن و تاریخ ایران، در هر سه کتاب بیشترین بسامد متعلق به آداب و رسوم است؛ سپس، باورها در یوسف پنج و هفت فراوانی چشمگیری نسبت به سایر شاخه‌ها دارند. در حوزه آداب و رسوم، یوسف پنج دارای بیشترین بسامد و یوسف شش با اختلاف بسیاری با آن دارای کمترین فراوانی است که آداب و رسوم خاکسپاری و سوگواری و بزرگداشت اهل قبور به‌ویژه شهدا، زیارت و عبادت‌کردن، و جشن و اعیاد، کاربرد چشمگیری در میان سایر آداب و رسوم داشته‌اند. در شاخه باورها نیز، یوسف پنج، دارای بیشترین و یوسف شش با اختلاف بسیار نسبت به آن دارای کمترین فراوانی است؛ با این توضیح که اگرچه فراوانی باورهای عامیانه و ایرانی نسبت به باورهای مذهبی و اسلامی بیشتر، این اختلاف در هر سه کتاب به‌ویژه در یوسف پنج بسیار کم است. در شاخه پوشاک و لباس، یوسف هفت با اختلاف بسیار کمی نسبت به یوسف شش دارای بیشترین فراوانی و کمترین آن متعلق به یوسف پنج است. در یوسف هفت، اشاره به خوراکی‌ها و غذاهای ایرانی دارای بیشترین و در یوسف شش دارای کمترین بسامد است؛ با این توضیح که در یوسف شش هیچ‌گونه اشاره‌ای به این مقوله نشده و بسامد آن صفر است. در شاخه اعیاد و جشن‌های ملی، یوسف شش دارای بیشترین و یوسف پنج دارای کمترین بسامد است و در این زمینه، بیشترین کاربرد متعلق به عید نوروز و شب یلداست و در هیچ‌کدام از مجموعه‌ها، اشاره‌ای

فراوانی و یوسف شش، کمترین بسامد را دارند؛ ضمن این که زمان ایرانی بیشترین بسامد را دارد و سپس زمان سیاسی اجتماعی و زمان مذهبی قرار دارند. در نهایت، آخرین شاخه از مؤلفه تمدن و تاریخ، شامل ابزار و وسایل می شود که یوسف شش دارای بیشترین و یوسف پنج دارای کمترین فراوانی است و ابزار و وسایل ایرانی نسبت به وسایل مذهبی بسامد بیشتری دارند.

مؤلفه دیگری که پس از تمدن و تاریخ بسامد بالایی دارد، سرزمین ایران است. اختلاف سه کتاب در این زمینه، بسیار ناچیز و نشان دهنده توجه ویژه نویسندگان جوان در دوره های متعدد به این مؤلفه است؛ با این حال، یوسف هفت، بیشترین و یوسف پنج و شش به یک میزان در درجه بعدی قرار می گیرند. در این مؤلفه، شاخه جغرافیا در هر سه کتاب، بیشترین بسامد را در میان شاخه های دیگر، یعنی مکان های باستانی و شناسنامه ملی دارد. یوسف هفت، بیشترین فراوانی و یوسف پنج، کمترین فراوانی را در شاخه جغرافیا دارند. در شاخه مکان های باستانی، یوسف پنج با اختلاف بسیار زیادی نسبت به دو کتاب دیگر دارای بیشترین فراوانی و دو کتاب دیگر به یک میزان در رتبه بعد قرار دارند. در شاخه شناسنامه ملی، یوسف شش، بیشترین بسامد و یوسف هفت، کمترین بسامد را دارند.

مؤلفه دیگر پس از تمدن و تاریخ، اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) است که یوسف پنج با اختلاف بسیار نسبت به دو مجموعه دیگر دارای بیشترین فراوانی و یوسف هفت، دارای کمترین بسامد است؛ در این زمینه باید گفت که اسلام مبتنی بر قرآن با اختلاف بسیار ناچیزی نسبت به اسلام مبتنی بر مودت

به اعیاد دینی نشده است. در حوزه اساطیر، با وجود این که میدان نبرد و دفاع از هویت و استقلال کشور، ظرفیت پرداختن به چنین ویژگی را دارد، داستان-نویسان دفاع مقدس توجهی به آن نداشته اند و در میان شاخص های تمدن و تاریخ ایران، دارای کمترین بسامد است و تنها در یوسف پنج اشاراتی در این زمینه دیده می شود؛ به ویژه در داستان «سنگ چین» نویسنده با ذکر مکرر اشعار فردوسی و یادکردن از داستان اسیرشدن ضحاک و برده شدنش به کوه البرز، توانسته روحیه حماسی را در داستانش برجسته کند. از دیگر شاخه های تمدن و تاریخ ایران، اشاره به بازی ها و ورزش های ایرانی است. در این زمینه، در کتاب یوسف پنج، بیشترین فراوانی و در دو کتاب دیگر، کمترین بسامد دیده می شود که سهم بازی های محلی و ایرانی نسبت به ورزش های ایرانی بسیار بیشتر است. همچنین، در شاخه قومیت و خرده فرهنگ ها، مجدداً یوسف پنج دارای بیشترین و یوسف شش دارای کمترین فراوانی است؛ با این توضیح که قوم ترک و سپس قوم عرب دارای بیشترین فراوانی در داستان ها هستند. در شاخه اقتصاد ملی نیز یوسف پنج، بیشترین و یوسف شش، کمترین بسامد را دارند. در حوزه فن و هنر ایرانی، یوسف هفت، بیشترین و یوسف شش، کمترین بسامد را دارند. از دیگر شاخه های تمدن و تاریخ ایران، اشاره به مشاهیر ایرانی است که به این مقوله همانند اساطیر، نویسندگان توجه بسیار کمی داشته اند و بسامد آن در سه کتاب بسیار پایین است. اشاراتی هم که در این زمینه شده، بیشتر دربرگیرنده اسامی شهدای مشهور و برجسته کشور مانند صیاد شیرازی، آوینی، باهنر، بهشتی و ... است. در حوزه تقویم ایرانی نیز یوسف هفت، بیشترین

اهل بیت (ع) دارای فراوانی بیشتر است و در حوزه اسلام مبتنی بر مودت اهل بیت (ع)، توسل به امام حسین (ع) و اصحاب و اولادش و ذکر و یادآوری واقعه عاشورا بسیار قابل ملاحظه است.

در کتاب یوسف پنج، بیشترین و در کتاب یوسف هفت، کمترین فراوانی درباره مؤلفه روح معنویت و تعبد و توحید دیده می‌شود که اقامه نمازهای واجب و مستحب، زمزمه اذکار و دعاها و واگذاری امور به خواست و اراده الهی دارای بیشترین کاربرد هستند.

در نهایت کمترین فراوانی در بین مؤلفه‌ها، ابتدا متعلق به مهدویت و انتظار و سپس ولایت‌مداری است. در زمینه مهدویت و انتظار، واقعاً نمی‌توان درباره کمترین و بیشترین فراوانی صحبت کرد؛ زیرا این موضوع در داستان‌های این سه مجموعه بسیار به ندرت نمود یافته است. در حوزه ولایت‌مداری، یوسف پنج دارای بیشترین و یوسف شش با بسامد صفر دارای کمترین فراوانی است.

**۲-۳-۲- پرسش سوم: نوع توجه به هر یک از مؤلفه‌های هویت ملی در آثار داستانی مورد بررسی چگونه است؟**

نتایج تحلیل محتوای کیفی مؤلفه‌های هویت ملی در اینجا با توجه به نتایج تحلیل توصیفی و روح کلی حاکم بر داستان‌ها و واحدهای زمینه، به بررسی نگرش و توجه نویسندگان به برجسته‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی، یعنی زبان و خط فارسی، تمدن و تاریخ و سرزمین ایران پرداخته می‌شود.

**۱-۳-۲- نوع توجه به تمدن و تاریخ ایران**  
مؤلفه تمدن و تاریخ، گستردگی بسیاری دارد که در این بخش به آداب و رسوم و اعیاد، باورها، پوشاک و خوراک پرداخته می‌شود.

#### ۱-۳-۲- آداب و رسوم و اعیاد

از جمله مؤلفه‌های مهم در پاسداری و معرفی هویت ملی ایرانیان، آیین‌ها و رسوم ملی و مذهبی (البته اعیاد مذهبی نمودی نداشته‌اند) است؛ مانند عید نوروز و شب یلدا که در کتاب‌های یوسف پنج تا هفت به‌ویژه یوسف هفت به آن‌ها پرداخته شده است؛ در این باره، شاهد نگرش مثبت نویسندگان همراه احساسی نوستالژیک به آن‌ها هستیم؛ زیرا معمولاً این رسوم و اعیاد در ذهن و خاطره رزمندگان تداعی می‌شود و تلفیق خاطرات خانوادگی و خوشی‌های اعیاد در کنار سختی و دشواری میدان نبرد و وظیفه حراست از کشور، آمیزه‌ای از اندوه و لذت را در درون رزمندگان ایجاد می‌کند که نویسندگان به‌خوبی این احساس را منتقل کرده‌اند. مثلاً در یوسف هفت، به‌ویژه داستان «تبریکی از طرف جناب دزد» بسامد کاربرد آداب و رسوم عید نوروز مانند خانه‌تکانی کردن، رقصیدن حاجی‌فیروز، هفت‌سین‌چیدن، پختن سبزی پلو با ماهی در شب عید، قرآن‌خواندن سر سفره عید، توپ درکردن موقع تحویل سال، عیدی‌دادن و ... بسیار چشمگیر است و در سراسر داستان رزمنده در میدان نبرد با لحنی نوستالژیک و دلپذیر به تداعی و مرتب‌سازی وقایع عید نوروز می‌پردازد. یا در همین مجموعه در داستان «کدام مرتضی؟» باز هم با نگرشی لذت‌بخش، اما حسرت‌برانگیز به تعریف وقایع شب یلدا پرداخته شده است. همچنین، گاه نویسندگان پیوند تنگاتنگ و هنرمندانه‌ای را بین رسوم ملی و مذهبی ایجاد می‌کنند؛ مثلاً در داستان «فقط بیا» آمده است: «مامان بهم گفت: امشب بلندترین شب ساله، بیا تا صبح دعا بخونیم. بیدا باشیم و مثل شب‌های قدر، احیا

نگه داریم. برای پیروزی رزمنده‌ها و سلامتی بابات دعا کنیم» (یوسف‌شش: ۱۳۱). آداب و رسوم خاکسپاری، سوگواری و بزرگداشت اهل قبور به‌ویژه شهدا و امامان برجستگی خاصی در میان سایر آداب و رسوم دارد که علل آن می‌توان گفت: «در داستان‌های مربوط به جنگ، حاکمیت نوعی تلخی، تیرگی، دلمردگی و بی‌علاقگی نسبت به زندگی، گرایش شدید درونی به مرگ-هرچند در پوشش دینی و شهادت- و در کل جنبه‌های سوگ‌آمیزانه دیده می‌شود» (سرشار، ۱۳۷۷: ۱۷۳). از جمله این آداب و رسوم گلاب بر تربت اهل قبور و شهداریختن، نوحه و روضه‌خوانی، خیرات و نذری‌دادن، سنج و دمام‌زدن، حجله‌بستن، شهر به شهر چرخاندن تابوت شهدا، پارچه سیاه‌زدن و ... است. گاهی نویسندگان آداب و رسوم محلی استان‌های مختلف کشور را زنده و بیان می‌کنند و بر اجرای آن تأکید می‌ورزند و رعایت نکردن آن را سبب خجالت و شرمساری می‌دانند؛ مثلاً در داستان «زمین پاک» به رسم یکی از آبادی‌های استان خوزستان اشاره شده است: «رسم بود اولین بار پدر ریش پسرش را بتراشد. عباس، سنت را شکسته بود و خجالت می‌گشید» (یوسف‌شش: ۲۰۵). همچنین، در حوزه آداب و رسوم عروسی، در داستان «ساعت پنج‌ونیم» به رسم یکی از آبادی‌های کرمانشاه اشاره شده که در آنجا مادرزن، داماد را نشان می‌کند (ر.ک همان: ۲۲۸). موارد بسیاری از مظاهر آداب و رسوم ملی در داستان‌های این سه مجموعه گفته شده که بیان‌کننده فرهنگ مردم ایران اسلامی است؛ مثلاً درباره سفرکردن به‌ویژه اعزام به جبهه در داستان «در میان دست‌ها» آمده: «از همین جا علیرضا را از زیر قرآن رد کرد و کاسه آب را پشت پایش خالی کرد» (یوسف‌پنج: ۲۱۹). در این زمینه،

آداب و رسوم دیگر عبارت‌اند از: وصیت‌نامه‌نوشتن، اسپند سوزاندن، آش پشت پا پختن، حلالیت‌طلبیدن و غیره. رسوم مختلف عروسی، مثل نقل و سکه‌پاشیدن، چراغانی‌کردن و ریشه‌بستن، حنا گذاشتن به دست، سنج و نی همبانه‌زدن، آیینه و شمع‌دان چیدن و ... آداب و رسوم زیارت و عبادت‌کردن مانند وضوگرفتن، اذان‌گفتن، با صوت قرآن‌خواندن، رو به قبله‌نشستن، دست به سینه گذاشتن، سجاده پهن کردن، عطر گل محمدی‌زدن و ... بازی‌های محلی مانند تپله-بازی، قایم‌باشک، سنگ‌کاغذ‌چیچی و غیره، همه و همه رسوم و عادت‌هایی است که اغلب خوشایند و دلپذیرند و بسیاری از آن‌ها مانند تعارفات متعدد و قربان‌صدقه‌رفتن‌ها و قسم‌دادن‌ها بیان‌کننده حس مهمان‌نوازی و خون‌گرمی و صمیمیت ایرانیان هستند؛ البته گاهی استفاده از لعن و نفرین‌ها در حین آن‌ها ناپسند و زائد شمرده می‌شود که غالباً در مقابله با دشمن بعثی اتفاق می‌افتد.

#### ۲-۱-۳-۲- باورهای عامیانه و مذهبی

پس از آداب و رسوم، اشاره به باورهای ملی در داستان‌های یوسف پنج هفت، بسامد بالایی دارد. داستان‌نویسان در این حوزه کوشیده‌اند تا ضمن حفظ حرمت و ارزش باورهای مذهبی، باورهای گذشتگان به‌ویژه مردم مناطق روستایی و دورافتاده را زنده و تثبیت کنند. در حیطه باورهای عامیانه، بیشتر به مسائلی چون بخت و اقبال و شانس توجه شده است، گاهی باورهای مردمی در حوزه پزشکی نیز دیده می‌شود؛ مثلاً گرفتن کاهگل مرطوب و گلاب جلوی بینی انسان از حال‌رفته یا دوددادن پهن الاغ یا کشیدن زغال سوخته بر پیشانی بیمار. از دیگر باورهای عامیانه

### ۳-۱-۳-۲- لباس ملی

در داستان‌های یوسف پنج تا شش، از لباس‌ها و پوشاک مختلفی نام برده شده که اغلب رنگ و بوی دینی و اسلامی و سپس جنبه محلی و ملی دارند. در این زمینه، نویسندگان به هر دو نوع، نگرشی مثبت و غرورآفرین داشته و با اشاره به رعایت حجاب اسلامی و پوشیدن لباس‌های محلی و قومیتی، تلفیقی از رنگ دینی و ملی ایجاد کرده‌اند. همچنین در این مجموعه-ها، تنوع لباس ملی و محلی قابل ملاحظه است؛ به-خصوص، از آن‌جا که از لحاظ جغرافیایی اغلب داستان‌ها در استان خوزستان به‌ویژه مناطق شلمچه، خرمشهر و آبادان جریان دارند، بدیهی است که تنوع لباس‌های محلی این مناطق در داستان‌ها نسبت به سایر لباس‌های محلی بیشتر باشد؛ مثلاً گزین که لباس محلی ابریشمی زنان سنگسر است، دشداشه، عبای عربی بلند و مشککی، مینار، چپری، کلاه‌نمدی، گالش، شیله سیاه و کدر، روسری و چارقد ترکمنی و غیره. در حوزه لباس دینی و اسلامی نیز بیشترین کاربرد متعلق به چادر و روسری است؛ لباس‌های دینی دیگر شامل مانتو، مقنعه، دامن، پیراهن یقه‌حسنی، چادرنماز و ... می‌شوند؛ مثلاً در داستان «خوش‌قول‌ترین آدم دنیا» نگرش مثبت به لباس اسلامی و حجاب شده- است: «کم‌کم با رضایت خاطر، هم مانتو پوشیدم و هم روسریم را طوری می‌بستم که به آن نوع پوشش می‌گفت، حجاب بی‌نقص!» (یوسف‌شش: ۱۹۵). البته برخی از این پوشاک در حیطه دفاع مقدس می‌گنجد که در این زمینه، چفیه و سربند، مهم‌ترین و پربسامدترین نمونه‌ها به‌شمار می‌روند که داستان- نویسان برای آن‌ها بسیار ارزش و احترام قائل‌اند؛ زیرا

عبارت‌اند از: تغال‌زدن، ستاره‌داشتن در آسمان، اعتقاد به از ما بهتران، خوب بودن دست کسی برای کشت- وکار، کاشتن درخت بالای سر مرده، شگون‌نداشتن خواب در شب عید نوروز، گریه سیاه آمد و نیامد دارد و ... . برخی از باورهای مذهبی عبارت‌اند از: برکت- داشتن شهدا، لیاقت داشتن برای ترکش خوردن، تبرک- کردن به ضریح امام معصوم، دفن کردن مرده‌ها در کنار امامزاده، تربت و آب زمزم‌دادن به محتضر، تار ریش شهید را لای قرآن گذاشتن، ثواب بیشتر وضو با آب سرد و ... . از جمله کارکردهای توسل به باورهای عامیانه و مذهبی، التیام و تسلی‌دادن به انسان‌هایی است که در شرایط سخت و تحمل‌ناپذیر گرفتار شده- اند و از این طریق با رنج و اندوه حاکم کنار می‌آیند و با آن خود را پرورش می‌دهند. مثلاً در داستان «زنی بر بام»، دختری که در بجهوحه جنگ، نگران حضور مادرش در خانه است؛ این نگرانی را با توسل به باور دینی تا حدودی تسلا می‌دهد: «همیشه موقع رفتن روی پله آخر منتهی به پشت‌بام، می‌ایستاد و بدون این‌که ننه بفهمد؛ درحالی که زیرلب آیه‌الکرسی می- خواند و به او فوت می‌کرد...» (یوسف پنجم: ۱۹۸). همچنین، در داستان «درخت امامزاده» که سرشار از باورهای مذهبی است، به باور روستاییان و حفظ حرمت امامزاده اشاره می‌شود: «ننه‌ام دلش شور می‌زنه محمدعلی تو این عملیات طوریش بشه. یه پارچه سبز دستم داده، دستمو رو قرآن گذاشته، به ابالفصل قسمم داده بیام بالای درخت امامزاده ببندم... گفته بالای بالا. آخه می‌گن هرچه بالاتر باشه، امامزاده زودتر حاجت روات می‌کنه... این درخت نظرکرده است. خود امامزاده این گره‌ها رو می‌بینه» (یوسف هفت: ۵۴-۵۵).

سربندها و نوارهای پارچه‌ای مزین به نام اهل بیت (ع) هستند.

#### ۴-۱-۳-۲- خوراک و غذای ایرانی

ذکر غذاها و شیرینی‌های خوشمزه ایرانی، سبب ایجاد رنگ و بوی ایرانی در داستان‌های یوسف پنج تا هفت شده‌است و هویت ایرانی را در این داستان‌ها برجسته کرده‌است. نگرش همه نویسندگان به غذاها و خوراک‌های ملی و محلی، نگرشی مثبت و سرشار از علاقه و همراه بیانی حسرت‌آمیز است و رنگ اقلیمی غذاها نمود برجسته دارد و برخی از آن‌ها، مخصوص شهرها و روستاهای خاصی هستند؛ مثلاً در داستان «شط کوسه دارد» با نگرشی نوستالژیک و لذت‌بخش، طعم و بوی خوراکی‌های استان خوزستان بیان شده- است: «دست‌هایش همیشه بو می‌دادند. بسته به فصل، بوهای مختلف. تابستان‌ها بوی خارک و رطب و بامیه. بوی جالیزهای شادگان. و زمستان‌ها بوی حلب‌های پُر از ماست سفت بهبهان. حلب‌هایی که با مشت مشت نعنای تند و تیز پوشیده شده‌بود. اما بوی سیر و سبزی- های رامهرمز، بوهای همیشگی بودند» (یوسف- هفت: ۱۳۰). یا درباره پخت نان در یکی از روستاهای استان خوزستان که همراه با تلقی و باور مثبت عوام است، ذکر شده: «کارش این بود که کیسه‌های آرد سبوس‌دار را با آب، روغن زیتون، پوست لیمو عمانی، زیره و سبزیجات معطر کوهی مخلوط کند تا پدرش با آنها نانی بپزد که سه‌بار عطرشان در تمام روستا می- پیچید و گاوها را شیرده‌تر می‌کرد» (همان: ۶۸). موارد دیگر عبارت‌اند از: یخ در بهشت شیرازی، شلغم شیرازی، قرمه‌سبزی، خورش کرفس، ترشی هفت- بیجار، شامی، آش‌آلوچه، کوفته‌قلقلی، آب‌گوشت،

کوکوی شیرین، مربای گل‌محمدی، آب‌دوغ و خیار و ... البته برخی از این غذاها، در مراسم و آیین‌های ملی و دینی به‌کار رفته‌اند؛ مثلاً سبزی‌پلو با ماهی در شب عید نوروز، قازی نان و پنیر و خرما و نقل و شیربرنج و نخودچی کشمش در مراسم‌های مذهبی و آیینی یا گاهی به جنبه درمانی خوراکی‌ها اشاره شده‌است؛ مثلاً خوراندن کاجی به زانو.

#### ۲-۳-۲- نوع توجه به سرزمین ایران

همان‌گونه‌که گفته‌شد، سرزمین ایران دارای سه شاخه جغرافیا، شناسنامه ملی و مکان باستانی است. نویسندگان در زمینه پرداختن به شهرها، روستاها، محلات، جاده و کوچه‌ها، مناظر طبیعی و مکان‌های دست‌ساخته انسانی توجه ویژه داشتند و از آن‌جا که نویسندگان متعلق به جای‌جای کشور هستند، بدیهی است که تنوع جغرافیایی و سرزمینی هم در این داستان‌ها دیده شود و هویت ایرانی اسلامی داستان‌ها از طریق این مؤلفه پررنگ‌تر شود. در واقع، جغرافیا ظرف هویت ایرانی اسلامی است که دربردارنده تمام ویژگی‌های درونی و بیرونی ایرانیان است. از آن‌جا که شروع و گسترش جنگ تحمیلی از استان خوزستان بود و از آن‌جا که ایرانیان دلبستگی بسیاری به امام رضا (ع) داشتند و در نقاط عطف و دشوار جنگ، رزمندگان و خانواده‌هایشان با تداعی خاطرات سفر به مشهد و نیز با التجا به ضریح آن امام رئوف، قوت‌قلب و روحیه‌ای مضاعف برای پیشبرد عملیات‌ها و ادامه زندگی پیدا می‌کردند، در میان استان‌ها به‌طور ویژه، استان خوزستان و توابعش (خرمشهر، آبادان، شلمچه، شادگان، دزفول، مسجدسلیمان، محله تانکی ابوالحسن و ...) و سپس استان خراسان رضوی چشمگیرترین



استان‌ها هستند؛ در درجه‌های بعد شهرهای تهران، اصفهان و شیراز بیشترین کاربرد را داشته‌اند. حتی در حوزه جاده‌ها و خیابان‌ها نیز به استان خوزستان، مانند سه‌راه شلمچه، لین یک، جاده اهواز-خرمشهر، لین پنج احمدآباد توجه ویژه شده‌است. این امر در حوزه مناظر طبیعی نیز قابل تأیید است؛ زیرا نویسندگان به مناظر طبیعی استان خوزستان مانند هور، رود کارون، رود بهمین‌شیر، به‌ویژه نخلستان‌های سوخته و سرکنده، و رود اروند توجه ویژه داشته‌اند و حتی در حوزه اماکن دست‌ساخته انسانی، همچون پالایشگاه آبادان، شرکت نفت آبادان، بیمارستان نزدیک اروندرود، خانه‌های شرکت نفت، سینما رکس آبادان، جندی‌شاپور اهواز و ... این استان از بیشترین فراوانی برخوردار است؛ برای مثال، در داستان «شط کوسه دارد» نگرش مثبت و دلپذیری به محیط و اقلیم خوزستان شده‌است: «اما علی برای ننه‌اش شد رود بهمینشیر برای خرمشهر، شد صدای فیدوس برای آبادان. همه خبر داشتند که وقتی ننه از دور شمایل بچه‌اش را می‌بیند، کارخانه‌های نیشکر هفت‌تپه باید بیایند پیش پیش لنگ بندازند. بس که قند آب می‌شود توی دلش... صدایش گرم بود. عینهو پره‌های آفتاب که دامن می‌کشیدند روی نخلستان جزیره مینو یا لنج‌های پهلوگرفته اسکله خرمشهر یا گل‌های کاغذی صورتی و نارنجی محله‌های شرکتی» (یوسف‌هفت: ۱۳۲). شناسنامه ملی غالباً در برابر هجوم دشمن و تصرف خاک ایران نمود پیدا کرده‌است و بیان‌کننده روحیه ایستادگی ایرانیان و افتخارشان به هویت و مرز جغرافیایی و فرهنگی ایران اسلامی است؛ عباراتی نظیر «سحر می‌گه مملکتش را دوس‌داره» (یوسف‌شش: ۱۹۷)، «بچه‌ها عراقی‌ها را شکست دادند» (همان: ۱۸۷)، «یعنی میگی خونه و دیارمون را تقدیم دشمن کنیم» (همان: ۲۵)، «ایدون باد ای مردم ایران» (همان: ۸۷) و «بابا برای کشورش شهیدشده» (یوسف‌هفت: ۱۵۷). در تمام این موارد، نگرشی افتخارآمیز و احساسی غرورانگیز به‌خاطر تعلق به هویت ملی وجود دارد؛ برای مثال، در داستان «آپ» آمده‌است: «دایات جدی گفته بود: این‌جا خلیج فارس است؛ من از شما دستور نمی‌گیرم... شما حق هیچ‌گونه دخالت در امور کشور ما را ندارید و باید منطقه را ترک کنید!» (یوسف‌شش: ۱۶۰). در حوزه مکان‌های باستانی باید گفت که نویسندگان به اماکن قدیمی و باستانی ایران توجه بسیار کمی داشته‌اند؛ مثلاً در داستان «در میان دست‌ها» تصویری جامع و زنده از اماکن باستانی شهر اصفهان برای مخاطب ترسیم شده‌است: «صبح دوشنبه، آفتاب از مرزهای آن سوی خراسان خودش را بالا کشید و بالاتر آمد، کویر لوت را داغ کرد و صدای چکش بازار مسگرها را درآورد. همان‌موقع سایه گلدسته مسجد شیخ‌لطف‌الله، انگشت اشاره‌اش را از پای عالی‌قاپو کشید تا آبی حوض وسط میدان نقش‌جهان. صبح روی تاقچه‌های صف‌کشیده دور میدان نشست. رواق‌ها کم‌کم پر از صدا و زندگی می‌شدند» (یوسف‌پنج: ۲۱۳). ضمن این‌که در برخی از داستان‌ها از مکان‌های قدیمی با احساساتی نوستالژیک نام برده می‌شود که آثار تاریخی و باستانی محسوب نمی‌شوند؛ ولی مربوط به فرهنگ قدیمی تری نسبت به زمان ما هستند؛ مانند بازارهای مسقف، خانه‌های کاهگلی و کوچه‌های تنگ و دالان-دار با دیوارهای کاهگلی.

۳-۲- توجه به مؤلفه هویتی زبان

استان‌ها هستند؛ در درجه‌های بعد شهرهای تهران، اصفهان و شیراز بیشترین کاربرد را داشته‌اند. حتی در حوزه جاده‌ها و خیابان‌ها نیز به استان خوزستان، مانند سه‌راه شلمچه، لین یک، جاده اهواز-خرمشهر، لین پنج احمدآباد توجه ویژه شده‌است. این امر در حوزه مناظر طبیعی نیز قابل تأیید است؛ زیرا نویسندگان به مناظر طبیعی استان خوزستان مانند هور، رود کارون، رود بهمین‌شیر، به‌ویژه نخلستان‌های سوخته و سرکنده، و رود اروند توجه ویژه داشته‌اند و حتی در حوزه اماکن دست‌ساخته انسانی، همچون پالایشگاه آبادان، شرکت نفت آبادان، بیمارستان نزدیک اروندرود، خانه‌های شرکت نفت، سینما رکس آبادان، جندی‌شاپور اهواز و ... این استان از بیشترین فراوانی برخوردار است؛ برای مثال، در داستان «شط کوسه دارد» نگرش مثبت و دلپذیری به محیط و اقلیم خوزستان شده‌است: «اما علی برای ننه‌اش شد رود بهمینشیر برای خرمشهر، شد صدای فیدوس برای آبادان. همه خبر داشتند که وقتی ننه از دور شمایل بچه‌اش را می‌بیند، کارخانه‌های نیشکر هفت‌تپه باید بیایند پیش پیش لنگ بندازند. بس که قند آب می‌شود توی دلش... صدایش گرم بود. عینهو پره‌های آفتاب که دامن می‌کشیدند روی نخلستان جزیره مینو یا لنج‌های پهلوگرفته اسکله خرمشهر یا گل‌های کاغذی صورتی و نارنجی محله‌های شرکتی» (یوسف‌هفت: ۱۳۲). شناسنامه ملی غالباً در برابر هجوم دشمن و تصرف خاک ایران نمود پیدا کرده‌است و بیان‌کننده روحیه ایستادگی ایرانیان و افتخارشان به هویت و مرز جغرافیایی و فرهنگی ایران اسلامی است؛ عباراتی نظیر «سحر می‌گه مملکتش را دوس‌داره» (یوسف‌شش: ۱۹۷)، «بچه‌ها عراقی‌ها را شکست دادند» (همان: ۱۸۷)، «یعنی میگی خونه و

(کنایه از شوخی کردن)، نور بالا زدن (کنایه از حالت معنویت)، آبکش کردن (کنایه از سوراخ سوراخ کردن با گلوله)، ریش چیزی درآمدن (کنایه از راست و درست بودن امری) و زمین گیر کردن (کنایه از ناتوان و عاجز کردن). در حوزه اصطلاحات عامیانه نیز همین موضوع قابل مشاهده است؛ یعنی از اصطلاحات دینی مانند پدرصلواتی، راست‌حسینی، لامصب، ایول و یا اصطلاحات جنگی مانند پاتک‌زدن، شکلات پیچ کردن و فیچی شدن یا «مهدی جان! ۶۴ متر چپ قره‌مخ‌یه نقل برای مزه می‌خوام» (یوسف هفت: ۴۲) استفاده شده است. در زمینه اشعار فارسی، بیشترین توجه نویسندگان به اشعار ملی، ترانه‌های عامیانه و محلی است؛ به‌ویژه در داستان «سنگ‌چین» نویسنده به شکل خلاقانه‌ای توانسته است از زبان شخصیت‌ها-که بیان‌کننده نوع نگرش و ایدئولوژی آنان است- تلفیق هنرمندانه و زیبایی از اشعار باصلابت و غرورآفرین شاهنامه فردوسی و اشعار خنده‌آفرین و خوش‌باشی نمایش‌های تختی‌حوضی ایجاد کند. یا در سراسر داستان «بی‌بی برگ بید» از ترانه‌ها و اشعار محلی عاشقانه سنگسری استفاده شده و رنگ و بوی اقلیمی و محلی در آن برجسته است: «نه بشو داری پرون/گل دکه میونی فزون/یکه گل مره بیا/ اما نه به ناقلا/ هستو سیا سبزه پوش/ نو گوش اشتیو ای دوش/ نه بلند و نه کوتاه/ نی دوانن ککچا» (یوسف شش: ۸۵). ضمن این‌که در برخی از داستان‌ها، اشعار محلی در کنار اشعار دینی آورده شده‌اند و آمیزه‌ای از اعتقادات و فرهنگ مردم ایران با اعتقادات دینی ایجاد شده است؛ مثلاً «امشبى را که حسین در حرمش مهمان است/

بر اساس نمودارهای تحلیل توصیفی، بیشترین مؤلفه هویت ایرانی و اسلامی در مجموعه داستان‌های یوسف پنج تا هفت، مؤلفه زبان و خط فارسی است که به شکل قابل توجهی در داستان‌ها کاربرد یافته است. «اهمیت زبان در بیان و معرفی هویت، آن است که هم رکن قوی هویت است و هم ابزاری است برای مطرح کردن سایر مؤلفه‌ها. بخش اعظم خاطرات تاریخی و مناسک دینی و ملی به واسطه زبان بیان می‌شوند» (نصری، ۱۳۸۷: ۶۸). در واقع، نویسندگان این سه مجموعه، با به‌کاربردن کنایه‌ها، اصطلاحات، اشعار و ضرب‌المثل‌ها در گفت‌وگوهای شخصیت‌ها، قابلیت عظیم دستوری و ارتباطی و بخش مهمی از ظرفیت واژگانی و معنایی زبان فارسی را نشان دادند. آنان در این داستان‌ها، از طریق زبان فارسی، ابتدا پیوندی عاطفی میان مردم و زبان فارسی ایجاد و سپس، مردم را به حفظ و تثبیت هویت دینی اسلامی خود و ارزش‌های دفاع مقدس ترغیب کرده‌اند. در زمینه انبوه کنایه‌ها، علاوه بر رنگ و بوی ملی و ایرانی آن، علاقه نویسندگان را به استفاده از کنایه‌های دینی می‌توان مشاهده کرد؛ عباراتی مثل فاتحه‌اش خوانده است، حرفش شهید شد، اشهد خود را خواند، قیامت برپا شد، دست به آسمان برد، چه جهنمی درست شد، می‌خواهی بهشتش کنی، مگر حلوا پخش می‌کنند، پیش حورالعین می‌رود و جانش را کف دست عزرائیل گذاشت. به سبب این‌که محیط پردازش داستان‌ها اغلب میدان جنگ و نبرد است، شاهد کنایه‌هایی هستیم که رزمندگان در میدان جنگ به کار می‌بردند و رنگ و بوی آنجا را دارند؛ مثلاً پارازیت دادن

می ایستد. نه قد بلند است و نه قد کوتاه و به او می‌گویند دختر دم بخت.

۱ - دختر رفت کنار درخت و دامنش را پر گل کرد و یک گل برایم آورد و این ناقلایی اش بود. او لباس تیره به تنش می‌کند و آن کنار

مکن ای صبح طلوع! عصر فردا بدنش زیر سم اسبان است/ مکن ای صبح طلوع!» (یوسف پنجم: ۱۶۱). در حوزه ضرب‌المثل‌ها، از ضرب‌المثل‌های فارسی و عامیانه مانند چوب را که برداری، گربه دزد خودش فرار می‌کند، کوسه بی‌آرواره فقط به درد دلسوزی می‌خورد، زمستان می‌رود و روسیاهی می‌ماند برای زغال، با زیون خوش می‌شه مار را از سوراخش بیرون کشید، این دنیا یک روز حاله یک روز قیله، شتر دیدی ندیدی و غیره استفاده شده است؛ به‌ویژه ضرب‌المثل «بادمجان بم آفت ندارد» که در بین رزمندگان برای بیان شجاعت و تحمل‌پذیریشان کاربرد بسیاری داشته است. گاهی هم از ضرب‌المثل‌هایی که رنگ و بوی مذهبی دارند، استفاده شده است؛ مثلاً من شدم شمر و آنها شدند لشکر امام حسین.

#### ۴- نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب و نمودارهای آورده شده، می‌توان گفت داستان‌نویسان جوان با استفاده از ظرفیت‌های زبان فارسی، بر نقش زبان به‌عنوان یک مؤلفه هویتی چه در بُعد ایرانی و چه اسلامی تأکید بسیار داشته‌اند. از دیگر مؤلفه‌های مورد توجه آنان، پرداختن به مؤلفه تمدن و تاریخ است که در این باره برخی از مظاهر آن مانند آداب و رسوم، باورها و لباس، نقش بسزایی در بروز هویت ملی داشته‌اند. مؤلفه سرزمین ایران به‌ویژه شاخه جغرافیا همچون ذکر شهرها، روستاها و محلات به‌ویژه استان خوزستان و توابعش، پس از دو مؤلفه دیگر از بیشترین فراوانی برخوردار است؛ سپس، اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع) و روح معنویت و توحید در رتبه‌های بعد قرار دارند. نگرش کلی نویسندگان این سه مجموعه به مؤلفه‌های هویتی

ملی، غالباً همراه احساسی نوستالژیک، مثبت و خوشایند است؛ زیرا آنان مترجم و بازگوکننده آرزوها و خاطرات رزمندگانی‌اند که در سخت‌ترین وضعیت با تداعی گذشته و التجا به خداوند و اولیای الهی درصدد حفظ و تقویت روحیه میهن‌پرستی و مقاومتشان هستند؛ بنابراین، براساس بسامدهای بیان‌شده، نمودها و نمادهای هویت ایرانی اسلامی در آثار مورد بررسی حضور برجسته دارد. همچنین، بر اساس نمودارها می‌توان گفت، شاخص‌ترین مجموعه در زمینه هویت ملی در بین این سه کتاب، یوسف پنج و ضعیف‌ترین آن، کتاب یوسف شش است؛ زیرا از میان ۲۴ مشتق بررسی شده از ۷ مؤلفه اصلی، یوسف پنج، در ۱۳ شاخه دارای بیشترین فراوانی است و در رتبه‌های بعد، یوسف هفت در ۶ شاخه و یوسف شش در ۴ شاخه کمترین فراوانی را دارند؛ از این رو، فاصله یوسف پنج که منعکس‌کننده مهارت و معلومات داستان‌نویسانش است، با دیگر مجموعه‌ها بسیار زیاد است و می‌توان گفت که نویسندگان این مجموعه به شاخص‌های سند هویت ملی بیشتر پایبند بوده‌اند. همچنین بر مبنای بسامدهای داده شده، رنگ اسلامی و دینی مانند مؤلفه‌های اسلام مبتنی بر قرآن و مودت اهل بیت (ع)، روح معنویت و توحید، مهدویت و ولایت‌مداری از یوسف پنج تا یوسف هفت سیر نزولی داشته است و برعکس، رنگ ملی و محلی مانند لباس‌های محلی، غذا و ابزار ملی، تقویم و هنر ایرانی و حتی کنایه‌های عامیانه در یوسف هفت از بیشترین فراوانی برخوردارند و سیر صعودی داشته است.

#### منابع

- ترکی، محمدرضا (۱۳۹۵) «ادبیات انقلاب اسلامی؛ درنگی در مفاهیم و مؤلفه‌ها»، *ادبیات انقلاب اسلامی*،

- زیر نظر محمدرضا ترکی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- جایزه ادبی یوسف (۱۳۹۰)، یوسف (کتاب پنجم)، تهران: نشر صریر.
- جایزه ادبی یوسف (۱۳۹۰)، یوسف (کتاب ششم)، تهران: نشر صریر.
- جایزه ادبی یوسف (۱۳۹۰)، یوسف (کتاب هفتم)، تهران: نشر صریر.
- دلاور، علی (۱۳۹۵) *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد.
- ذاکری، مختار و شمشیری بابک (۱۳۹۴) «بررسی مفهوم هویت در مجموعه داستان های قصه های شیرین و قصه بازی شادی»، *مطالعات ادبیات کودک*، سال ششم، شماره سوم، صص ۵۹-۸۶.
- ربانی، علی و رستگار، یاسر (۱۳۹۱) «تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان»، *جامعه شناسی کاربردی*، شماره دوم، ۱-۲۰.
- سرشار، محمدرضا (۱۳۷۷). *منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب*، تهران: پیام آزادی.
- صادق زاده، رقیه و منادی مرتضی (۱۳۸۷) «جایگاه نمادهای هویت ملی در کتاب های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره متوسطه: رشته علوم انسانی»، *نوآوری های آموزشی*، شماره ۲۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- صنیع اجلال، مریم (۱۳۸۴) *درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۰) *روش تحقیق در علوم اجتماعی: کاربرد در زمینه مسایل اقتصادی*، تهران: نور علم و پژوهش ما.
- لک، منوچهر (۱۳۸۴) «هویت ملی در شعر معاصر ایران»، *مطالعات ملی*، شماره ۴، ۶۱-۸۴
- ——— (۱۳۸۴) «هویت ملی در شعر دفاع مقدس»، *مطالعات ملی*، سال ششم، شماره ۲، ۱۱۱-۱۳۲.
- نجفی، موسی (۱۳۸۹) «سند مؤلفه های هویت ملی ایرانیان مصوب جلسه ۴۷۸ مورخ ۲۱ / ۱۲ / ۸۶ شورای فرهنگ عمومی»، *هویت ملی ایرانیان و انقلاب اسلامی*، تهران: زمان نو.
- نصری، قدیر (۱۳۸۷) *مبانی هویت ایرانی*، تهران: تمدن ایرانی.